جوان
۹
| روزنامه جوان | شماره ۴۸۹۷

کدخدا

روزنامچه اخبار ولایات محروسه وسط‌آباد
نمره هشتم / مردادماه ۱۳۹۵

دوشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۵ |
۲۶ ذیقعده ۱۴۳۷ |

محل اداره روزنامچه کدخدا، ده وسط‌آباد
عجالتاً هفته‌ای یک نمره طبع می‌شود
قیمت (پس از رفع تحریم): رایگان
محل توزیع: سر خرمن
عجالتاً ۳۰۰ تومان بانضمام روزنامه جوان

مطالب به قلم: محمدرضا شهبازی، محمدعلی دررِیز، محمدصالح مفتاح، احسان ملایی، افشار جابری، ر. ابوترابی، علی ترابلو
احسان ملایی، م.رجایی، علی عموکاظمی، رضا عیوضی، محمد اسدی، محمدکوره‌پز و مسعود دانش‌منش

چشمه
محمود محمدتبریزی

۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان، میانگین درآمد روزانه متکدیان - تسنیم

نیازمندیهای وسط‌آباد

فروش ویژه
آفتابه لگن
یک دست بخر، هفت دست ببر
بازرگانی ارشاد

بدینوسیله به اطلاع عموم می‌رساند اظهارات اینجانب پیشاپیش تکذیب می‌گردد.
با تشکر - سخنگو

آگهی استخدام
به یک نفر مدیر فوتبالی نیازمندیم
فدراسیون دو و میدانی

شامپو برجام
با صدها خاصیت
مخصوص موهای خشک

یک باب فراکسیون مجلسی با گنجایش کافی به علت مسافرت فوری به فروش می‌رسد
با همه اعضا و مبلمان
۰۹۱۹۱۴۹۳*** (تعارفی)

به یک مدیر توانمند جهت یک پست کلیدی با حقوق مکفی نیازمندیم
ترجیحاً با شاه‌کلید

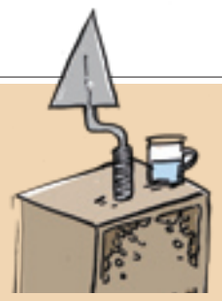

سخنگو: به طور جدی پیگیر تحقق وعده‌های رئیس‌جمهوری هستیم.
.
.
.
کارهای دیگر را هم شوخی‌شوخی پیگیری می‌کنیم!

سرجایز

گزیده‌ای از کشکول حکیم و برادران

اوباما و لذت سر کیسه کردن سعودی‌ها

از «ابوگرد اَمریکی» است:

■ از بس که زدم شیشه تقوا بر سنگ

وز بس که به معصیت فرو بردم چنگ
هم دوست ز من فغان برآورده ز جور
هم خود شده‌ام مثال یک مایه ننگ

■ حکایات متفرقه، کوتاه و خواندنی

نقل است که اوباما، رئیس سازمان سیا را گفت: در لذات دنیا نگریستم و همه آنها را اندوهبار دیدم، جز هفت چیز را: حمایت کردن از ظالم، پشتیبانی نمودن از ترور، دروغ بزرگ گفتن، سر کیسه کردن عربستان، جاسوسی از دوستان، پیام فرستادن الکی برای معاندان و بمب اتم انداختن برسر بیگناهان.

رئیس برآشفت و گفت: پس قاچاق انسان چه؟ لبخندی زده گفت: آری! والله که آن اولین و بالاترین ایشان باشد!

■ ترجمه اشعار انگریزی

شاعری گفته است:

روزهایی بر ما گذشت
که گند جاسوسی‌مان درآمد... و حیثیت نداشته‌مان برباد داد... آن روزها گذشتند... از پس آنها... چیزی جز روسیاهی برایمان به یادگار نماند...

■ سخن حکیمان و دانشمندان، مشاهیر...

از ابن باراک پرسیدند که: تا کی فضولی این و آن می‌کنی و آبرو به حراج می‌نهی؟ گفت: ممکن است که ظلمی باشد که نکرده باشم یا فحشی که نخورده... پس تا می‌توانم باید در فضولی بکوشم که ناشناسی گفته:

یک جو غم غیرت که نداریم، خوشیم
عمریست در این لانه تاریم، خوشیم
با وایبر و واتس‌آپ و تلگرام و گوگل
هرچیز که دیدیم و گرفتیم، خوشیم

■ گزیده ای از کتاب‌ها و تألیفات

پاچه ورمال مصری در کتاب صفت الاشقیاء و در گزارش رویدادهای سال ۱۹۴۵ میلادی گفته است که: در این سال، در بلد «هی. رو شی. ما»، «پسر کوچک» را رها کردند که همگان را کشت و مدت آن، پنج سال بود. در روز نخست ۱۴۰ هزار تن را کشت. در روز دوم تا پنج سال، ۶۰ هزار و یک تن را و در حاشیه، «ابن بمب یهودی» آورده است که کشته بیش از اینها بوده و ادامه دارد تا روز کتابت این سیاهه.

همین، در شرح مجلد دوم کتاب نگاشته که «مردچاق» را نیز همین قوم بر «تاکازاکی» فرستادند شبانه که همین تعداد را کشت و باقی نماندند جز تنی چند که اینها همه در یک روز بود و بعدتر را الله اعلم.

اوباما، رئیس سازمان سیا را گفت: در لذات دنیا نگریستم و همه آنها را اندوهبار دیدم، جز هفت چیز را...

■ لطیفه‌ها، سخنان نغز و شیرین

از ابن اسیر، احوال دولتی را پرسیدند که چون حقوق بشر بر او خوانند بیهوش شود و تا ساعتی رعشه بر تن وی افتد، گفت: میان ما و او پیمان! که او را برسر بمب‌های اتمی خویش نشانید و تمامی حقوق بشر را از آغاز تا انجام بر او فرو خوانید، اگر فروافتد، چنانست که او دعوی کند.

■ سخن حکیمان و دانشمندان، مشاهیر...

مرکل را گفتند: کدامیک را دوست‌تر داری؟ دماغت را؟ یا امریکا را؟ گفت: دماغم را! زیرا وی گرچه به من نزدیک است، ولی از سخنم هیچ نشود و باز نگوید و سخن‌چینی من پیش یهود نگذارد.

■ حکایات تاریخی و پادشاهان

کدخدا را پهباد گستردند، چون به هرات راهش افتاد، از یکی از آنها دانه‌ای به خاک ایران انداخته گشت، کدخدا در سپه‌سالار به خشم نگریست و او دانست که بدین افتضاح، سرش زیر آب خواهد شد، پس سبزجامگان ایرانی را پیام فرستاد که آنچه از مراتب دست‌بوسی و جان‌نثاری شایسته است، به جای آورم، فقط پهباد را بازپس فرستید، بدون آنکه رمزش بگشایید و چون چنین نشد، به بلندی رفت و فریاد برآورد که ای مردم! ما هیچ پهبادی نداشته بودیم که کسی آن را انداخته باشد و رمزش گشوده... ولی صورت پهباد و رمز آن را جارچیان ایرانی جار زدند تا به گوش کدخدا رسید و بر یکدیگر جامه دریدند و فحش‌ها نثار کردند و لقمه‌ها دریغ داشتند.

شعر فارسی:

تا سگان را وجوه پیدا نیست
مشفق و مهربان یکدگرند
یک- دو جاسوس‌شان بزن به کمند
تا تهی گاه یکدگر بدرند

■ حکایتی از عارفان و بزرگان

چون لورنس عربستان به احتضار افتاد، او را گفتند: چه خواهی؟ گفت: خواهم که پیش از آن که بمیرم، حتی به یک دم مانند مردمان کوچه و بازار زندگی همی کنم و هرچه را به چشم جاسوسی ننگرم و بین هر گروهی که در راه من است اختلاف نیفکنم. گفته‌اند که لورنس از مردم نبود و در سالی که مرد به درک واصل گشت.

■ سخن حکیمان و دانشمندان، مشاهیر...

از سخنان بیل گیتس: اگر می‌خواهی که آسوده زندگی کنی، راضی باش که تو را به اُمل بودن و بی‌کلاسی متهم دارند، به جای آن که به روزآمدی بستایند، اما تمام شئونات زندگی‌ات را به همراه اندرویدت بکاوند و صورت‌ها از حریم خانه‌ات بردارند و تو خبردار نگردی، چنانچه کدخدا را از دل درد اهل حرم خبر است و لیکن تو را اطلاعی نیست.

■ لطیفه‌ها، سخنان نغز و شیرین

سقراط را پرسیدند: کدام درنده، وحشی‌تر؟ گفت: سران اسرائیل.

■ نکته‌های پندآموز، امثال و حکم

از امثال آنگلوساکسون و داستان‌هایشان که از زبان حیوانات گفته‌اند: سگی، سگی دیگر را دید که اطلاعاتی کهنه در دهان داشت. گفت: چه اطلاعات سوخته و بی‌مقداریست! و آن که اطلاعات در دهان داشت، گفت: خدا این اطلاعات را لعنت کند و نیز کسی را که پیش از آن که بهتر از این یابد، آن را رها کند!

■ حکایات متفرقه، کوتاه و خواندنی

نقل است ظریفی به غربت سخن بر سر هسته می‌کردی و ۱+۵ را خسته و چنان بود که سحرگاهان روی خوش نشان دادندی و لبخندها زدندی به تفرج، اما شبانگاهان میکروفون در سوراخ دیوار فروگذاردندی و به لطایف الحیل جاسوسی کردندی و خبرها اخذ کردندی به جبر.

از ظریفی دیگر پرسیدند: چگونه است که روی خوش و آب جوش با هم اندر است؟ نگاهی عاقل اندر سفیه کرده و فرمود: حواس ما جمع‌تر است و در حجره‌مان فوت کرده و سوت همی‌زنیم تا مطلب قابلی دستگیرشان نشود، این بگفت و جام را سرکشید لاجرعه تا حدی که برق خورشید بر چشمانش نشست.

از سعدی علیه‌الرحمه است:

غریبی گرت ماست پیش آورد
دو پیمانه آب است و یک کمچه دوغ

آبیاری

پول کم آوردیم

در کتب طب سنتی، باب زایمان آمده است: اگر می‌خواهید فرزندتان مدیر موفق و کاری‌ای باشد در ماه ششم‌اش ناهار شیشلیک و در ماه هفتم کوبیده بزنید در غیر اینصورت عواقب نان و پنیر گریبان شما را می‌گیرد!

یوسفی (فرماندار ورامین): اهل شیشلیک و کباب هستم و شفاف هم می‌گویم با نان و پنیر نمی‌توانم کار کنم! داداچ! حکمشو اشتباه زدی، ایشون باید فرماندار شاندیز می‌شد!

کمیل قاسمی جوری کشتی‌گیر امریکایی رو تو ۳۳ ثانیه شکست داد انگار حد وزیر ورزش واسش مهم نیست!

من نمیدونم چرا یکی ازین ورزشکارا مدالش رو تقدیم به وزیر ورزش نمی‌کنه؟! به هرحال ایشون برای شناخت حد ورزش ایران زحمت زیادی کشیدن!!

ترکان: نعمت زاده مواظب حرف زدنش باشد وگرنه از کوره در می‌روم و چیزهایی می‌گویم!
- ما چی بگیم الان؟؟ خب مواظب باش دیگه!

بان کی‌مون درواکنش به حمله عربستان به بیمارستانی در یمن، این کشور را تهدید به درج مجدد در فهرست کشورهای ناقض حقوق کودک کرد.
- فکر کنم بازم پول کم آورده.

آخرش نفهمیدیم سطح داوری جهان پایینه یا سطح لیگ برتر ما خیلی بالاست. داورهایی که تو لیگ ایران فحش می‌خورن، میرن فینال المپیک رو سوت میزنن!

پزشک‌ها بیان یه مردونگی کنن به مناسبت روز پزشک مردم رو بدون درد بکشن!

با تصویب انجمن پزشکان درون مرز، از سال بعد پزشکان در روز پزشک چیزهای تیزی مثل چاقو یا قیچی یا سوزن رو توی شکم بیمارها جا نمیذارن و به جاگذاشتن پنبه، نخ، باند و چسب زخم اکتفا می‌کنند!

بعضی ازمسئولین حرفهاشون آنقدر تبلیغاتی شده که همش منتظرم وسط حرف بگن ۱ را به ۳۰۷۳ بفرستید تا ضمن عضویت در اول مارکت از کاهش تورم برخوردار شوید!

وزیر اطلاعات: دولت لب‌های کسانی را که انتقاد می‌کنند می‌بوسد.
منتقدین: ☹

مدیر مسئول روزنامه شرق: بدعهدی آمریکا در برجام به نفع ماست، ما در موضع طلبکار قرار می‌گیریم.
- خسته نباشی دلاور! ماله را شکستی پهلوان!

عراقچی: در مقامی نیستم که دستگیری جاسوس در تیم مذاکره‌کننده را تایید یا تکذیب کنم.
- فقط می‌تونم بگم نقض برجام نیست.

سفر قریب الوقوع رجب طیب اردوغان به تهران:
- نگذارید اردوغان بیاد تهران. این احتمالا ملاقه‌اش تو ترکیه خورده به ته دیگ، اومده اینجا بازداشتی لژیونر ببره!

خاک‌وخل

نیا نیا ای دوست!

«تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد»
ولی نیاز اگر شد مطب بیا ای دوست!

بیا و بهر مداوا نرو به درمانگاه
«به دشمنان نتوان گفت ماجرا ای دوست»

«بیا بیا که دوا و شفای هر دردی»
بدون نسخه من هست بر فنا ای دوست

«طبیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک»
بدون بیمه تو اینجا نیا نیا! ای دوست

«ز آستین طبیبان هزار خون بچکد»
ز آستین من اما چکد شفا ای دوست...

«من این حروف نوشتم چنانکه» کس ننوشت
خودم هم عاجزم از فهم نسخه‌ها ای دوست!

یا کنسرت!

واجب نوار ما کنسرت
کل تفریح بچه ها کنسرت
نان و آب و غذای ساده ما
شیشلیک و کباب ما کنسرت
احتیاجی دگر به دکتر نیست
به مریضان دهد شفا، کنسرت
تا نباشد جوان ما معتاد
می شود هر کجا به پا کنسرت
هر فقیری به بودنت محتاج
می کند هی طلب تو را کنسرت
بودنت مثل نان شب واجب
یا که حتی چنان هوا کنسرت
حکم او را نوشته ام اعدام
هر که گفته به تو چرا کنسرت؟
این غزلواره ام برای تو باد
اجر من نزد توست یا کنسرت!

شیشلیک

بهر مسئولان کشور لازم است
آب سرد و چای گرم و جای نرم
کارِ نیک و یار نیک و حس خوب
کل اینها را که گفتم خوب بود
گفته شد واجب تر از این خواب چیست؟
میز تحریر و دو خودکار و کتاب
پول کافی، فیش وافی، عکس و قاب
بردن آسان سهم از انقلاب
البته واجب تر از اینهاست، خواب
شیش لیکی خوردم و گفتم کباب!

زنگوله

دیگه کوتاه نمیام!

کسی در جمعی لاف می‌زد که: در جنگلی بودم ۱۰۰ تا گرگ ریختند دوره‌ام کردند. معترض شدند که: صدتا؟؟!!! چه خبر است؟!! آخر مگر گوسفند است؟ گفت: لااقل ۵۰-۶۰ تا بودند. باز معترض شدند که آخر ۵۰ تا گرگ یکجا کی دیده تا حالا؟ خلاصه هی این عدد را کاهش داد و آنها اعتراض کردند تا رسید به ۵ - ۶ تا. اما باز هم اعتراض شنید...
نهایتا بلند شد ایستاد و فریاد زد: «ولی به جانِ خودم از پشتِ درختا یه خش خشی می اومد!!»

ooo

یک مقام اجرایی: اگر از همه چیز برجام و صدها خاصیت آن بگذریم این یکی را دیگر کسی نمی‌تواند منکر شود که ثابت کردیم بدخواهان ما دروغ می‌گویند!

ooo

زود بخواب تا قطع نشه

دولت اعلام کرد هر کسی کارت ملی ندارد یارانه‌اش از ماه بعد قطع می‌شود!
بالاخره هرماه یک علتی رو می‌گویند تا همه یکجوری یارانشون قطع بشه.
علت‌های بعدی می‌تواند اینها باشد:
۱. هر کس شناسنامه‌اش بدون جلد باشد.
۲. هر کسی شبها دیر می‌خوابد.
۳. معاینه فنی خودرواش تمام شده باشد.
۴. نماز قضا داشته باشد.
۵. پسر خوبی نباشد.
از ما گفتن بود، باز نگید چرا یکهو قطع شد. بالاخره این دنیا که دنیای خوردن یارانه نیست!

ooo

بادکش درمانی مایکل فلپس

در خبرها آمده بود: بادکش‌درمانی مایکل فلپس شناگر مشهور آمریکایی و دیگر ورزشکاران این کشور
حالا فرض کنید اگر یک ایرانی این کار را می‌کرد، واکنش روشنفکرهای شبکه‌های مجازی چه بود:
- بله دیگه اونجا هم رفتن دست از ادا اُملی بر نمیدارن!
- با چه رویی زده رو بازوش لااقل یه چسب میزد!
- واقعا آبروی ایران را برد. بچه دهاتی
- بووووووووق...
- مشکل از حکومته که اجازه میده همچین افرادی با همچین عقایدی به همچین جاهایی برن!
با همه این احوال دست فلپس درد نکند، الان خیلی‌ها دنبال بادکش هستند. بالاخره درست است که این روش درمانی سنتی ماست، ولی بعضی‌ها تا یک آمریکایی مهر تایید روی کاری نزند باورش نمی‌کنند! حالا اگه خون آریایی توی رگهاته برو بادکش کن!

مصالح

از شما بعیده...!

به نظر شما این جملات از کیست؟
«بی شک نحوه تغییر شتابزده تصمیم داوران توسط ژوری در شبی که میلیون‌ها نفر ناظر وزنه زدن بهداد سلیمی قهرمان بزرگ ایرانی بودند، سوالات و ابهامات زیادی را نسبت به طی شدن دقیق فرآیند قانونی تغییر نظر داوران توسط ژوری ایجاد کرده است.»
۱. حسین رضا زاده در نامه اعتراضی به فدراسیون جهانی وزنه برداری
۲. پدر بهداد سلیمی در اعتراض به بان کی‌مون
۳. صادق زیباکلام در نامه اعتراضی به رئیس فدراسیون جهانی واترپلو
۴. بعیدی نژاد عضو تیم هسته‌ای!
(با اینکه بعید به نظر می‌رسد ولی جواب گزینه چهار است!)

ooo

استراحت کن پدرجان!

کارخانه شرکت سهامی عام ایرانیت با عمری ۶۰ ساله در تولید مصالح ساختمانی در کشور رسما تعطیل شد.
آخه با ۶۰ سال سن مگه کار هم می‌شه کرد؟ تعطیل کن استراحت کن پدرجان!

ooo

نخ دندان

ادعای تازه دندانپزشکان انگلیسی: استفاده از نخ دندان تاثیری بر سلامت دندان‌ها ندارد و حتی می‌تواند اتلاف وقت باشد.
- یعنی اگه پزشکان و محققان ساکت می‌شدن، خود انسانها با آزمون و خطا توی این ۳ هزار سال فهمیده بودن چی مفیده و چی ضرر داره!

ooo

پول چای

از بس که زدید پنبه حلاج شدید
از این نمد و کلاه، نساج شدید
یک چای مگر چقدر می ارزد که
اینقدر به پول چای محتاج شدید

ooo

میگه چشم!

مشاور وزیر کشور: دولت تدبیر و امید در واکنش به تذکر و گلایه رهبری ۱۱ روز قهر نمی‌کند در خانه بنشیند.
- بلکه خیلی تمیز و مرتب می‌گه چشم! بعد دوباره کار خودشو می‌کنه!

ooo

داشتیم همین کارو می‌کردیم

مدیرعامل انجمن حمایت از مصرف‌کنندگان: مردم از خرید خودروهای بی‌کیفیتی چون پژو ۴۰۵ و پراید خودداری کنند.
- فکر کنم مردم داشتند همین کار را می‌کردند که یکهو یکی ۲۵ میلیون بهشان وام داد!